

طسُلوع
روزنامه

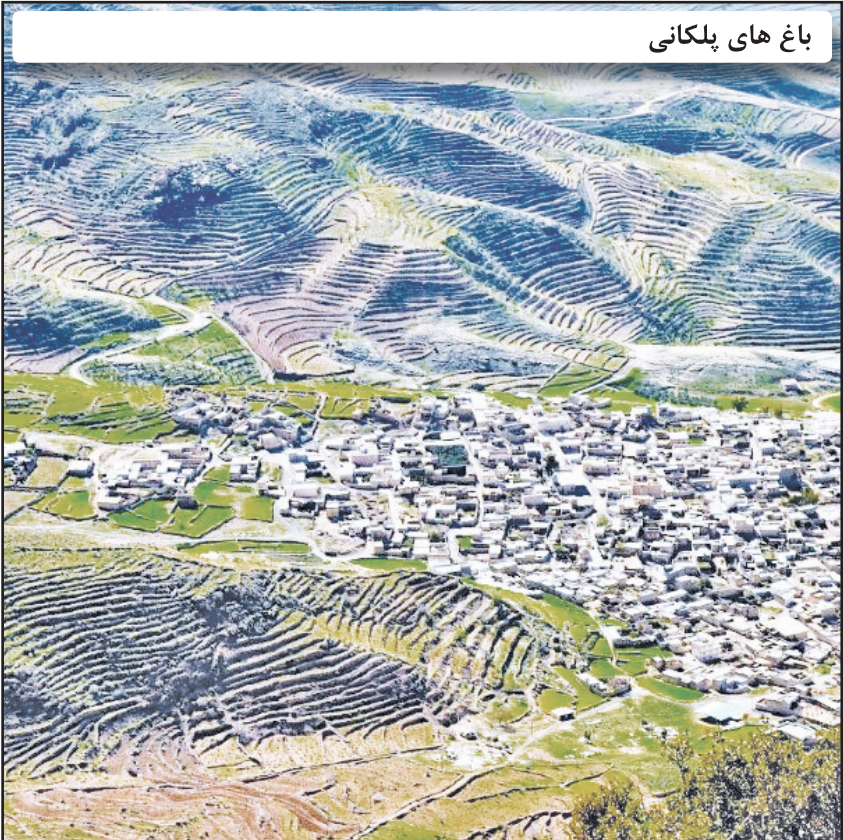
موقعیت جغرافیایی منطقهٔ دوان

روستای دوان، در ۱۲ کیلومتری شمال کازرون فارس، برروی طول جغرافیایی ۵۱

– اُو بیدی ow-bi:ði (آب بیدی)

پوشش گیاهی دشت و کوه:

اقلیم منطقهٔ کازرون و، از جمله دوان، گرم



باغ های پلکانی

درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۲۲/۵ دقیقه قرارداد. طبق آمار سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، در سال ۱۳۵۳، دوان جزو پلاک ۳۰۴ بخش هفت شهرستان کازرون است.

آب و هوا

منطقهٔ دوان ازسمت جنوب و غرب به جلگهٔ کازرون محدود است که دارای آب و هوای گرم و خشک می باشد و در تابستان تا ۴۵ درجهٔ سانتیگراد گرم می شود. ازطرف شرق و شمال نیز به منطقهٔ کوهمرهٔ نودان محدود می‌گردد که کوهستانی و سردسیر است و اغلب زمستان‌ها در ارتفاعات آن برف می‌بارد. روستا در میان این دو منطقه واقع شده و از نظر آب‌وهوا معتدل است. (برگرفته از کتاب تاریخ و فرهنگ مردم دوان)

سمت و سو و شدت و ضعف ورزش باد در این منطقه متفاوت است بدین جهت از گذشته‌های دور مردم دوان نوعی تقسیم‌بندی منظم و منطقی عرضه کرده و نام‌های مختلفی را بدان‌ها داده‌اند که جالب توجه است:

– باد رَشَنهٔ bāð-e rašna : این باد عمدتاً از سمت شمال و در تابستان می‌وزد. مردم بر این باورند که وزش این باد نشانهٔ زمستان پرباران است.

– باد پِیک bāð-e pik: این باد نیز در اوایل تابستان ازسمت شمال می‌وزد. و موجب آفت در محصولات کشاورزی می‌گردد.

– بادِ پَییز bāð-e poyiz: باد پائیزی که موجب ریزش برگ درختان می‌شود.

– باد ملایَم bāð-e molāyom: نسیم – بادِ گل بَشکف bāð-e gol-boškof: باد بهاری که موجب شکوفایی گل‌ها و شکوفهٔ درختان می‌شود.

– باد هیرون bāð-e hiron: هر بادی که از جنوب به سمت شمال بوزد.

بر اساس مقدار بارش سالیانهٔ باران، در سمت جنوبی و شرقی دوان یازده چشمه از زمین می‌جوشد. آب آشامیدنی و مصرف روزانهٔ مردم روستا تا سال ۱۳۶۳ که آب لوله‌کشی از چاه نیمه‌عمیق تأمین شد، از سه چشمهٔ نزدیک به روستا از جمله:

- بُری دُومَن baryo-y duman (بریا پابین)
- بَلِ غَنی bal-eyani (بالای غنی)
- بَلِ پَسِ سیه bal-e pase (بالای پس ده)
- تأمین می‌شد. آب بقیهٔ چشمه‌ها به دلیل دوریشان ازروستا، صرفاً به مصرف آبیاری باغ‌های اتار می‌رسد. این چشمه‌ها عبارت‌اند از:
- بُری یار baryo-y bâr (بریا ی بالا)
- او قَلا ow-qalā (آب کلاغ)
- او خَچَرخَجوی ow-xoja-rejavi (آب خواجه رجبی)
- او مَشیری ow-maširi (آب مشیری)
- بَلِ مَـ دِ خاجه bal-e mað-exāja (بالای ملک مهد خواجه)
- او لَرِدک ow-lardek (آب لرد کوپک؟)
- او نِیک ow-neyek (آب نی کوچک؟)

سکونتشان در محل فعلی و دوم در دورهٔ سکونتشان در نقطه‌ای که امروز آن را دوان می‌نامیم. بنابراین با دو مقولهٔ مختلف عینی و ذهنی گذشتهٔ این قوم سروکار خواهیم داشت.

اگر بخواهیم در گذشتهٔ پیش از سکونت آنها نکاتی را بیان کنیم؛ ناچار باید به آثار ذهنی که عمدتاً در زبان و آداب و رسومشان نهفته است، بپردازیم از این‌روی باید به گذشته‌های بسی دورتر از دورهٔ ساسانیان توجه نشان دهیم. زیرا پیش از ساسانیان، آثار عینی مشخصی را حداقل تا امروز در دست نداریم. و اگر بخواهیم دورهٔ سکونت این قوم را بررسی نماییم، آثاری چند موجود است که براساس آنها قدمت روستا را از دورهٔ اسلامی گذرانده و تا دورهٔ ساسانیان به عقب خواهیم برد.

پیشینهٔ تاریخی مردم دوان

معمولاً پندار بشر در گفتار و کردار وی متجلی می‌گردد و از این طریق است که به آداب فرهنگی گروهی از اقوام می‌توان پی برد.خلق و خوی مردم دوان در آئین ها و رسوم و جشنها و سوگواری هایشان متجلی می شود و از برآورد آنهاست که می توان به قدمت تاریخیشان پی برد.

بسیاری از موارد تاریخی مورد بحث این مقوله را می توان در ادبیات شفاهی مردم دوان دریافت. جز نکات قابل طرح در زمینهٔ گویشی، برای رسیدن به اصل و اصالت دوان و دوانی می توان با طرح نکاتی از عقاید مردم دوان نیز، بدین هدف نزدیک شد. طبیعتاً دوانی هایی که در دوان زیسته اند بارها از بزرگان خانواده و فامیل شنیده اند که برای اثبات کلام خویش به آتش اجاق یا شعلهٔ چراغ سوگند یاد کرده اند که بی تردید نشان از عقاید آنها در زمان های پیش از مسلماننشان در دوره های باستان دارد. همچنین وقتی عبارت «بهشت از پَهرَش» برای مرده ای آرزو می کنند، دقیقاً عبارتی است که بر لوح قبر مردگان به خط پهلوی حک شده و تعدادی از آنها که یافت شده در کتاب کتیبه های پهلوی کازرون تألیف دکتر سیروس نصرالله زاده به چاپ رسیده است. ترجمهٔ متن یکی از گورنوشته‌های پهلوی آن چنین است: « [این آرامگاه] از آں… زن… [است]، بهشت بهرش باد». ترجمهٔ متن کتیبهٔ دیگر که آن نیز در حفاری شهر بیشاپور یافت شده چنین است: این آرامگاه فرخ مرد، پسر ماه فرو[یی] [ماهرنِیخ]. او را بهشت برین بهر باشد.

مستندات عینی تاریخ دوان

اگر به گوشه و کنار ایران پنهانور سفر کرده باشید- جز گروه‌های قومی که شناخته شده هستند- گاهی به مردمی برمی‌خورید که با دیگر مردمان آن سامان و حتی مردم روستا یا شهر مجاور در پوشش و بینش و دوان می‌روید.

گیاهان دارویی

در منطقهٔ دوان اعم از دشت و کوه، گیاهان دارویی بسیاری می‌روید که اگرچه همهٔ آنها شناسایی نشده‌اند، اما حدود صد گونهٔ آن دارای نام خاص هستند و در طب سنتی دوان کاربرد دارند.

خاک شناسی

زمین‌های منطقهٔ دوان اکثراً جزو اراضی درجهٔ چهار است؛ بدین معنی که بیشتر خاک‌های این منطقه جزو گروه رسوبی است. خاک این منطقه هرچه به سمت کوهپایه پیش می‌رود، بیشتر با سنگ‌ریزه توأم می‌شود. این نوع خاک را کالوویال (colluvial) می‌گویند که به دلیل وجود سنگ‌ریزه‌های فراوان و پستی بلندی‌های شیب‌دار از نظر کشاورزی دارای ارزش زیادی نیست، از این جهت در این بخش از زمین‌ها بناچار باید زمین را پس از تسطیح نمودن، با دیوارچینی، تراس‌بندی کرد و آن را برای زراعت‌های دیم آماده ساخت. (برگرفته از کتاب تاریخ و فرهنگ مردم دوان صفحه‌های ۲۵ تا ۲۸)

موقعیت تاریخی

تاریخ زیستن و زیستگاه انسان از بدو پیدایش بشر، سرشار از واقعیت و افسانه است. بسیاری از نظریه‌های مربوط به گذشتهٔ انسان، براساس مستندات عینی مانند آثار به‌جای مانده از بناها، ابزارها، دست ساخته‌ها ابراز شده که به‌عینه می‌توان دید. بسیاری دیگر نیز برپایهٔ آثار ذهنی، بیان شده است مانند: زبان، آئین‌ها، اسطوره‌ها و افسانه‌ها که به صورت شفاهی سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل آمده تا به امروز رسیده است.

در مورد دوان باید به دو دورهٔ مختلف نظر انداخت. اول به دلایلی چند، پیش از

دوان را بهتر بشناسیم

عبدالنبی سلامی «پور دَوان» پژوهشگر ارشد مردم‌شناسی

زبان و خلق و خو متفاوت‌اند و آداب و رسمی ویژه دارند. از نمونه‌های واضح آنها می‌توان به مردم ایبانهٔ کاشان، مردم کِرونی در روستای چهل‌چشمهٔ شیراز، مردم کرّش بالادهٔ کازرون، مردم سنگان بلوچستان، مردم گله‌دار لارستان و مردم لای‌زنگان داراب و بسیاری دیگر اشاره کرد.

روستای دوان هم از چنین شرایطی برخوردار است. روزگاری که مبدأ آن بر نگارنده و دیگران مشخص نیست. اما مسلماً پیش از اسلام اتفاق افتاده، از نقطه‌ای نامعلوم به مکان کنونی کوچ کرده یا کوچانده شده‌اند. گویش این مردم گرچه با گویش مردمان کوهمره‌های نودان و جروق کازرون و کوهمرهٔ سرخی شیراز و همچنین گویش‌های اُچمی مردم نقاط مختلف لارستان خویشاوندند، و همگی جزو شاخهٔ جنوب غربی زبان‌های ایرانی هستند، اما گویش دوانی در ساخت‌های آوایی، دستوری و واژگانی نکاتی ویژه دارد که آن را در میان خویشاوندان خویش متمایز می‌گرداند.

آنچه مسلم است، این که این مردم پیش از اسلام دارای دین زردشت بوده‌اند و در سده‌های چهارم و پنجم در پی مبارزات شیخ‌ابواسحاق کازرونی با خورشید مجوسی، همراه با اسلام آوردن دیگر مردم منطقه و از جمله مردم کازرون، به اسلام گرویده‌اند. این نظر بر اساس شواهدی است که در کتاب

مستطاب فردوس‌المرشدیه وجود دارد. این مقوله را می توان در ادبیات شفاهی مردم دوان دریافت. جز نکات قابل طرح در زمینهٔ گویشی، برای رسیدن به اصل و اصالت دوان و دوانی می توان با طرح نکاتی از عقاید مردم دوان نیز، بدین هدف نزدیک شد. طبیعتاً دوانی هایی که در دوان زیسته اند بارها از بزرگان خانواده و فامیل شنیده اند که برای اثبات کلام خویش به آتش اجاق یا شعلهٔ چراغ سوگند یاد کرده اند که بی تردید نشان از عقاید آنها در زمان های پیش از مسلماننشان در دوره های باستان دارد. همچنین وقتی عبارت «بهشت از پَهرَش» برای مرده ای آرزو می کنند، دقیقاً عبارتی است که بر لوح قبر مردگان به خط پهلوی حک شده و تعدادی از آنها که یافت شده در کتاب کتیبه های پهلوی کازرون تألیف دکتر سیروس نصرالله زاده به چاپ رسیده است. ترجمهٔ متن یکی از گورنوشته‌های پهلوی آن چنین است: « [این آرامگاه] از آں… زن… [است]، بهشت بهرش باد». ترجمهٔ متن کتیبهٔ دیگر که آن نیز در حفاری شهر بیشاپور یافت شده چنین است: این آرامگاه فرخ مرد، پسر ماه فرو[یی] [ماهرنِیخ]. او را بهشت برین بهر باشد.

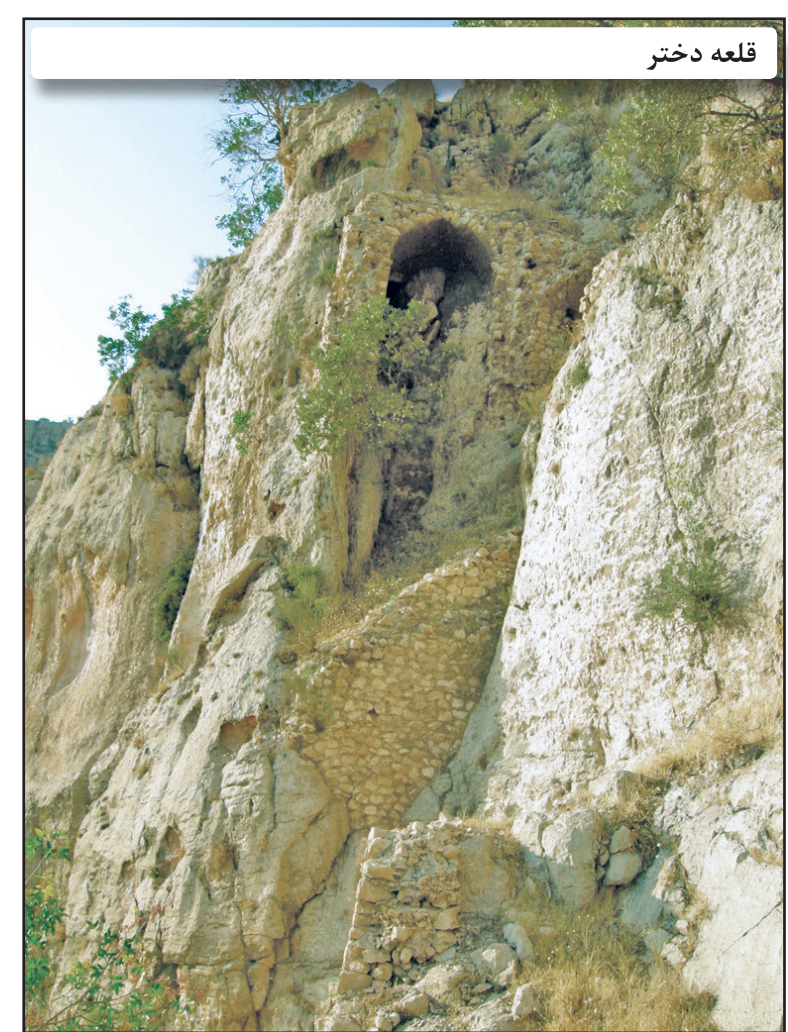
مستندات عینی تاریخ دوان

اگر به گوشه و کنار ایران پنهانور سفر کرده باشید- جز گروه‌های قومی که شناخته شده هستند- گاهی به مردمی برمی‌خورید که با دیگر مردمان آن سامان و حتی مردم روستا یا شهر مجاور در پوشش و بینش و دوان می‌روید.

اگر به گوشه و کنار ایران پنهانور سفر کرده باشید- جز گروه‌های قومی که شناخته شده هستند- گاهی به مردمی برمی‌خورید که با دیگر مردمان آن سامان و حتی مردم روستا یا شهر مجاور در پوشش و بینش و دوان می‌روید.

گویش دوانی

گویش دوانی را که یکی از کهن‌ترین گویش‌های ایرانی نو و بازماندهٔ زبان‌های



۴
شماره
۱۶۴۱
سال
بیست و یکم

ویژه



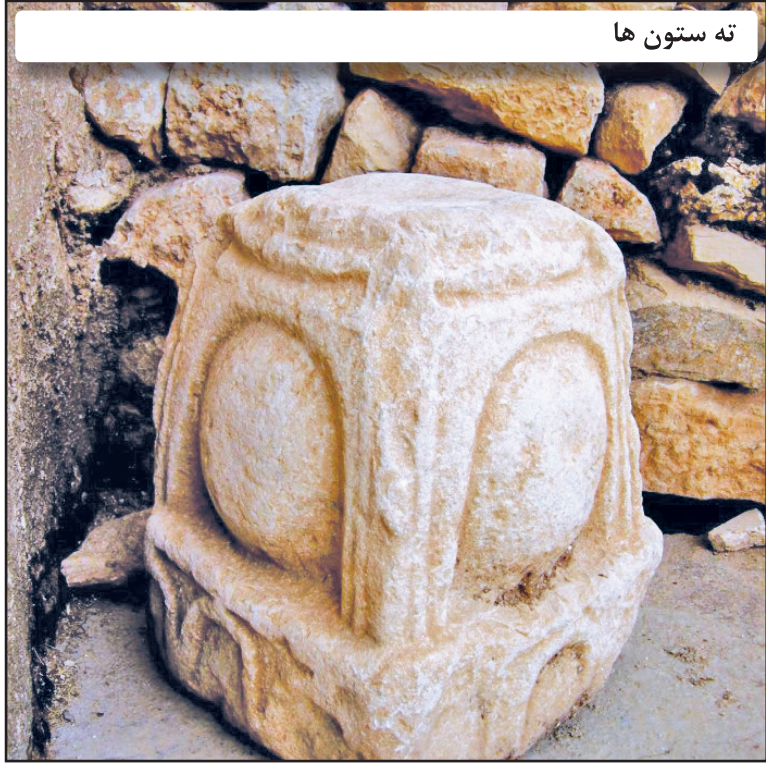
حیات راه دارد، در دو طاقم‌ای دیگر که اصولاً بسته است، دو سکوی بار انداز ساخته شده که از آن در تابستان برای نشستن و در کوران هوای خنک قرار گرفتن استفاده می‌شود. زیر سکو‌ها اغلب جای نگهداری بز و بزغاله‌هاست.

خانه‌ها دارای حیاطی است که به دلیل شیب‌دار بودنشان تراس‌بندی شده‌اند و معمولاً دارای یک یا دو تراس‌اند. در فضای آن معمولاً محل نگهداری خر و قاطر، آغل بز و گوسفند، و در گوشه و کنار آن ابزاری چون جور jowr (هاون بزرگ سنگی)، بَرَدَر bardar (وسیلهٔ خرد کردن حیوانات و دانه‌های گیاهان کوهی)، تنور که معمولاً زیر کپر قرار دارد، دیده می‌شوند. اتاق‌ها معمولاً در یک سمت حیاط و گاهی در دو ضلع آن ساخته شده‌اند. اتاق‌ها دارای پهنای برابر اما دارای درازای متفاوتند. واحد اندازهٔ اتاق تعداد طاق‌هایی است که در طول اتاق قرار دارند. فاصلهٔ هر دو طاق را پُهلِه po-la می‌گویند. یک اتاق سه طاقی را «توی س پُ ُله ُ tu-y so po-la» و اتاق پنج طاقی را «توی پَ ـ س ن پُ ُله ُ tu-y panpo-la» می‌گویند.در فضای بین طاق‌های اتاق‌های مجاور، انبارهای مخفی ساخته شده که برای ذخیرهٔ غلات استفاده می‌شود. راه آن معمولاً در یکی از

ایرانی میانه و از شاخهٔ جنوب غربی (زبان فارسی دورهٔ ساسانی) می‌دانند، در صورتی که زوایای پنهان آن را بیش از آنچه تا امروز مورد بررسی قرار گرفته، شکافته شود، نشان می‌دهد که این گویش، ریشه در یکی از زبان‌های همزمان با فارسی باستان دارد که جز آثاری پراکنده و در حد حدس که در بعضی از گویش‌های بازمانده از آن دوران باقی مانده، اثری از آن نیست. گویش دوانی به احتمال و، براساس شواهدی که در دست است، یکی از این گویش ها است که نکاتی از زبان باستانی مورد بحث را در خود نهفته دارد که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

۱. آواهای ts در واژهٔ tsak (پی، عصب) و dz در واژهٔ gondz (زنبور قرمز) و ð در واژهٔ dā-ða (خواهر بزرگتر).
۲. «فت های کمینه» در این گویش نشان می دهد که در میان گویش های خویشاوند، گویشی است منحصر به فرد. برای مثال به چند نمونه بسنده-می کنیم bar (کنار، پهلو)، barr (مزهٔ گس) یا kol (تیغهٔ کند)، ko:l (محل شیب‌دار سنگلاخی کوهستان) یا mor (مرغ، mor (مُهر) morr (گرد، جمع) و بسیاری دیگر که در جای خود خواهد آمد.

۳۰ واژه هایی بکر وجود دارد که در زبان فارسی و حتی گویش های خویشاوند



ته ستون ها

طاقچه‌های انتهایی اتاق است که اغلب با قرار دادن وسایلی در طاقچه پنهان می‌ماند. در سال‌های نامنی این انبارها محل امنی برای پنهان کردن مختصر وسایل زندگی بوده که از چشم چپاولگران و دزدان دور ماند.

گنجینهٔ مردم شناسی دوان

جوامع دارای تاریخ کهن که ریشه در عمق تاریخ باستانی سرزمینی چون ایران دارند، از چنان هویتی برخوردارند که بی شناخت گذشته آنها، نمی توان به اصل و نسبشان دست یافت. جامعه‌شناسان از ریخت اجتماعی آنچه، باستان‌شناسان از دست‌ساخته‌های به‌جامانده از زیستگاه‌های کهن آنها، زبان‌شناسان از ساختار زبان و مردم‌شناسان از آداب و رسوم و آئین‌ها و دیگر داشته‌های فرهنگی آنها، به شناخت تاریخی دست می‌یابند و براساس مدارک به دست آمده، در مورد آنان قضاوت علمی می‌کنند

با این مقدمه به مقوله‌ای می‌پردازیم که بخشی از آثار باستانی و تاریخی دوان را در مجموعه‌ای معرفی می‌نماید و آن موزه‌ایست که با نام گنجینهٔ مردم‌شناسی دوان از اردیبهشت سال ۱۳۸۸ پذیرای علاقه‌مندان به آثار تاریخی و باستانی بوده است. در واقع این گنجینه می‌تواند در کنار دیگر آثار مادی و معنوی، یکی از منابعی باشد که با استدلال‌های علمی جامعهٔ دوان را توصیف کند.

این گنجینه در ساختمان حمام تاریخی دوان با سابقه‌ای سیصد ساله قرار دارد. با طاق‌ها و طاقنماهای برگرفته از معماری باستانی و تاریخی ایرانی که هویت زندگی گذشتهٔ دوانی‌ها را نیز به نمایش می‌گذارد.

سابقهٔ این امر به سال ۱۳۶۵ برمی‌گردد. یعنی زمانی که نگارندهٔ این مقال «عبدالنبی سلامی» اشیاء مختلفی را از آثار تاریخی و وسایل زندگی مردم دوان گرد آورده و به ناچار، بارها آنها را خانهٔ به خانهٔ (در میان خانهٔ پدری و خانه‌های اقوام) جا به جا کرده،